

واپسین دم از پژوهش و آموزش کشاورزی



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگر کشاورزی

پدیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران با پیشینه‌ای بیش از یک قرن بر تارک کشاورزی و منابع طبیعی نون کشورمان درخشیده است. قرار داشتن این اولین کانون از علم و فناوری کشاورزی در شهر کرج و پروراندن بسیاری از طایله‌داران این عرصه موجب استقرار تعدادی از مؤسسات پژوهش کاربردی در پیرامون آن شد. کانون‌هایی که با نمایه‌ای سرفرام می‌می‌توانست و هنوز چه‌بسا بتواند بر سربر توسعه پایدار کشورمان بنشیند.

با گسترش بی‌محابا و لجام‌گسیخته شهر کرج به عنوان مرکز استان البرز به‌خصوص در چهار دهه اخیر و سرریزشدن انبوه مهاجران از اکناف کشور به سمت آن و در سودای مجاورت با پایتخت، از رخسار سبز این خطه سبز و خرم گذشته کمتر نشانی به جای مانده است. اما آنچه بر حرمان نوستالژیک گذشته درخشان آن افزوده است، روند تغییر کاربری اراضی زراعی و این مراکز علمی و پژوهشی به مثابه حریم و اندرون آنان است. اگر این اراضی را کلاس‌های درسی و از مایشگاه‌های پژوهشی بدانیم، تغییر کاربری آنها

به‌تپهایی از نگاه مدیریتی بیگانه با توسعه پایدار و نیز از فرجام آندوهبار و بی‌دفاع ساختارهای علمی و پژوهشی کشاورزی کشور حکایت می‌کند.

در شرایطی که سیانت از منابع تولید و طبیعت در سلروحه برنامه‌های توسعه تمامی کشورهای توسعه‌یافته از نظر علم و تکنولوژی قرار دارد، به نظر می‌رسد بسیاری از مدیران اجرایی کشورمان پرشتاب در مسیر متفاوت و متضاد حرکت می‌کنند. نقل می‌کنند که در اواخر جنگ جهانی دوم و در اوج قحطی غذایی، جمعی از مبارزان از جان گذشته و در اوج گرسنگی از ساختمان بانک ژن گیاهی «واویلوف» در روسیه که دارای ذخایر منحصربه‌فرد ژنتیکی گندم و جو بود، همچون یک مکان مقدس حفاظت کردند تا آیندگان سرزمین‌شان گرسنه نمانند. در میبادی ورودی جنگل‌ها در کشور نیوزیلند جاله‌های ضدغفونی کفش برای افرادی که وارد می‌شوند، قرار داده‌اند تا که قارچ‌های بیماری‌زا از ته کفش آنان به گونه‌های جنگلی آسیب نرسانند و… در شرایطی که چنین حساسیت‌های علمی حفاظتی مشاهده می‌شود، چگونه می‌توانیم ورود ماشین‌آلات تخریب به آخرین سنگرهاي دانش و پژوهش‌های کشاورزی و سیانت از جنگل را در کشور تف‌آلود خودمان درک کنیم؟ با چنین بی‌مهری که حتی کلاس و آزمایشگاه اسنادان و پژوهشگران هم در امان نیستند با چه دلایلی بر طبل حکمرانی غذایی می‌کوبیم؟ و با چه توجیهی بر افزایش شمار مصرف‌کنندگان

ایران ودعوت به عضویت در سازمان دولت‌های ترک



حمیدرضا اکبرپور

تحلیل قرار گیرد. سازمانی با حجم تولید ناخالص داخلی بیش از ۱.۳ تریلیون دلار، جمعیتی بیش از ۱۷۰ میلیون نفر و مساحتی بیش از ۴.۸ میلیون کیلومتر مربع در جوار ایران، بی‌شک جذابیت‌های خاصی برای ایران دارد. ایرانی که در قلب کریدورهای شرق به غرب و شمال به جنوب قرار دارد و در کشاکش تحریم، این‌کانال‌های منطقه‌ای را مانند ابزارهای تسهیلگری می‌داند که می‌تواند در شکستن نسبی حصر تحریم‌ها به آن کمک کند. به‌ویژه اینکه اهداف این سازمان با برخی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایران ازجمله مبارزه با تورسیم بین‌المللی، جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی دارای همخوانی است. اما در کنار مزیت‌های بالقوه‌ای که وجود دارد، برخی الزامات وجود دارد که بدون آنان، این پیوند می‌تواند به تعمیق مشکلات و نزول جایگاه منطقه‌ای ایران بینجامد. بدون شک عمق و گستره فرهنگ ایرانی، بسیار قدرتمند است. اگر ایران امروز در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در تنگنا قرار دارد و قدرت مانور اندکی دارد اما در گستره فرهنگی، چنان قدرتمند است که حتی بدون متولی می‌تواند بگه‌تاری کند. کافی است به سنت‌های ایرانی ریشه‌دوانده در کشورهای همسایه و به‌ویژه همین کشورهای ترک نگاه‌ی کرد تا قدرت نرم این فرهنگ غنی آشکار شود.

بنابراین ترس از غلبه فرهنگی سایر کشورها با عضویت ایران در این سازمان بیهوده و یا حداقل ادعایی غلوشده است اما به نظر می‌رسد قبل از بررسی عضویت در این سازمان، ایران باید به بدیلی در این باره دستم یابد و به آن تکیه کند. این بدیلی می‌تواند به شکل سازمان، اتحادیه و یا شورایی متکی بر بنیان‌های فرهنگی و تمدنی ایران که ریشه در سایر

کشورها دارد، نمایان شود. به قول دکتر آرش زبئی‌نژاد، استادیار دانشگاه تهران، حوزه نفوذ ایران شامل دو هلال عاشرها با مرکزیت عم مشترک و هلال نوزب با مرکزیت شادی مشترک است. این سنت‌های عمیق می‌تواند سرآغاز شوراها و یا حتی اتحادیهایی شود که در فشار آسیاب‌گونه سازمان‌های نژادپایه (از زبان محور) مانند سازمان دولت‌های ترک و اتحادیه عرب در اطراف ایران، قدرت بازیگری و بازی‌گردانی ایران را تقویت کند.

بازتاب

تعهد وزارت نفت برای تأمین خوراک و سوخت صنایع و پتروشیمی‌ها به‌طور کامل انجام شده است

گاز تحویلی به این صنایع به‌طور متوسط در سال گذشته روزانه ۶۸۰۲ میلیون مترمکعب بوده که در مقایسه با سال ۱۴۰۰ به‌طور میانگین دو میلیون مترمکعب در روز بیشتر بوده است. درخصوص صنعت فولاد نیز لازم به ذکر است در زمان این محدودیت‌های مقطعی گازرسانی، سوخت مایع مورد نیاز این واحدها با نرخ مصوب به هزینه‌های کم نیاز داشته‌اند از سوی وزارت نفت تأمین شده است. در عین حال همان‌گونه که در گزارش روزنامه شرق قید شده است «میزان کاهش تولید و صادرات این محصول چندان درخور توجه نیست و اختلاف معناداری با گذشته ندارد» اما جای تعجب دارد که نویسنده گزارش شرق به اتکاء پیش‌بینی غیرمستند برخی فعالان این صنعت و بدون صحت‌سنجی مبانی این مدعا که به گفته گوینده‌اش با یک «برآورد ساده» و تخمین به کاهش دو میلیون تنی تولید فولاد و در جایی دیگر کاهش ۱۲.۵ میلیون تنی فولاد اشاره و ضرری در حدود هفت تا هشت میلیارد دلار را پیش‌بینی کرده است توجه خاص می‌نماید. امری که بیشتر به بازی با اعداد شبیه است و نمی‌تواند صحت داشته باشد زیرا هر زمان که محدودیتی برای گازرسانی به صنایع فولادی ایجاد شده به همان میزان یا بیشتر سوخت مایع برای آنها تأمین شده است که گاه قیمت آن برای مصرف‌کنندگان، مزایا و منافع‌ی بیش از تولید محصول نهایی ایجاد کرده است.

۳- نویسنده گزارش در حالی «افزاد تعطیلی شرکت‌های فولادی» و «ورشکستگی احتمالی نیمی از کارخانه‌های تولید سیمان» را به عنوان میان‌تتیر مطلب خود برگزیده است که گوینده این مدعا در گزارش روزنامه شرق خود معترف است «آمار



پای می‌فشریم؟ متأسفانه در جای‌جای نقاط کشور که آهنکی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی به گوش می‌رسد، این نگاه اجرائی سبزه‌سبزانه تا بتواند با غرش ماشین‌های تخریب و تغییر کاربری سرگروب می‌کند. حتماً به خاطر داریم که باغ کلکسیون گونه‌های نادر جنگلی در نوشهر (تحت مدیریت مؤسسه تحقیقات منابع طبیعی) و در ایام دولت دهم چگونه برای احداث جاده و علی‌رغم مقاومت مدنی

تجدیدبناپذیر پایبند باشند.

حتی به نوعی می‌تواند به جنگ‌انداختن در دل دو اتحاد ترکی و عربی اطراف ایران منتهی شود و بازیگری‌هایی را در حوزه جغرافیایی آن دو سازمان داشته باشد. البته بدون شک و با تکیه بر واقعیت‌های موجود در سامان کنونی نظام منطقه‌ای و نوع سیاست‌گذاری خارجی ایران، تصور شکل‌گیری این نهاد‌های منطقه‌ای دشوار است. با همه این تفاسیر و با تأکید بر پیش‌شرط فوق، عضویت ایران در سازمان دولت‌های ترک و سایر سازمان‌هایی به این‌سان مانند اتحادیه عرب، می‌تواند حائز اهمیت باشد. به‌ویژه در حوزه دیپلماسی عمومی و اقلعی بسیار مؤثر است و بر تثبیت و برنگرتشدن حوزه نفوذ ایران کمک وافر خواهد کرد. الزام دیگر در قدم دوم مقوله عضویت است و آن این است که با توجه به ماهیت هویت‌محور (زبانی یا نژادی) این سازمان‌ها، عضویت ایران باید به صورت عضویت ناظر باشد. چراکه از یک سو، نام و ماهیت این سازمان‌ها و از سوی دیگر، برخی پروژه‌های آنان در جهت منافع ایران نیست. به‌طور مثال تغییر نام شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان به سازمان دولت‌های ترک، نشان از عزم این کشورها برای تغییر سطح هویت‌طلبی از یک سطح نرتر (زبان مشترک) به یک سطح سخت‌تر (نژاد مشترک) دارد. بنابراین ایران برای عضویت در این‌گونه از سازمان‌ها دارای دو ملاحظه اساسی است. ملاحظه اول در باب توازن سیاسی است که تنها با تشکیل شوراها و یا اتحادیه‌هایی مبتنی بر سنت‌های قدرتمند تمدن ایرانی ممکن است از این طریق به توازن سیاسی در قبال سازمان‌هایی مانند دولت‌های ترک و اتحادیه عرب دست یابد. ملاحظه دوم در باب سطح ارتباطات ایران با این‌گونه از سازمان‌هاست که با توجه به ماهیت این سازمان‌ها، عضویت ایران باید محدود به عضویت ناظر شود تا نه در این سازمان‌ها هضم شود و نه به‌طور کل از آن حذر کند که این امر با عضویت ناظر در جهت تأمین منافع ملی قابل تصور است.

✽ **دکترای حقوق بین‌الملل عمومی پژوهشگر میهمان مؤسسه تحقیقاتی ایراس (ایران و اوراسیا)**

ادامه از صفحه اول

در خدمت و خیانت آمار

- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از همان اولین روزهای شروع به کار خود با تأکید بر تعهد خود به ایجاد سالانه یک میلیون شغل، این قول را محقق‌یافته دانست و در سال جدید بی‌توجه به نتایج گزارش مرکز آمار ایران از بازار کار رسماً اعلام کرد (بسر مبنای راستی‌آزمایی پیامکی و تلفنی) یک میلیون شغل جدید ساخته است و یا بالاگرفتن انتقادات کارشناسی به آرامی عقب نشست و اعلام کرد من شغل ایجادشده جدید را گفتم و نه فرصت‌های شغلی خالص را! و معنای روشن این سخن این است که وی فقط به رئیسش متعهد است و نه کارگران و جویندگان کار. به تعبیر زیبای خواجه حافظ شیرازی: «تیز می‌روی جانا، ترسمت فرومانی»!

هر چه فریاد دارید بر سر دلار بکشید

اما پس از بیش از چهار دهه کوبیدن بر طبل استقلال و مفتخربودن به آن، کار به آتجار رسیده است که به جای استقلال ما از جهان، این جهان است که از ما استقلال یافته است. تجارت انرژی‌های فسیلی بالغ بر ۰.۱ حجم تجارت جهانی را به خود اختصاص داده و ایرانی که بنا بر برخی گزارش‌ها در میزان ذخایر اثبات‌شده نفت و گاز جهان جایگاه دوم را داراست، سهمش از تولید اقتصاد جهانی چیزی نزدیک به صفر است؛ یعنی بود و نبود ایران هیچ خللی در زنجیره تولید جهانی ایجاد نمی‌کند؛ در عین اینکه ما توانسته‌ایم جهان را از خود مستقل کنیم و مدعی باشیم که دیگر استکبار جهانی نمی‌تواند هیچ مداخله‌ای در امور داخلی ما داشته باشد چون ما روی پای خود ایستاده‌ایم و وابسته نیستیم، اما کوبی در عمل تمام پارامترهای اقتصادی ما به دلار یعنی نماد قدرت اقتصادی آمریکا گره خورده است. مردم به شکلی روزانه برای اینکه از اوضاع اقتصادی کشور اطلاعات قابل اعتمادی ورای پروپاگاندا‌های رسمی داشته باشند نوسانات نرخ دلار را دنبال می‌کنند و برای حفظ دارایی‌شان ریل‌شان را به دلار تبدیل می‌کنند و در افزایش افسارگسیخته قیمت دلار، فلاکت جمعی و تدریجی خود را به نظاره می‌نشینند. خوب؛ پس چه؟! اگر ما هیچ‌گاه تا به این اندازه از آمریکا و جهان مستقل نبوده‌ایم پس چرا انکار همه چیزمان به این پول آمریکایی گره خورده است؟! پاسخ کارگزار ما شبیه به پاسخ‌های همیشگی اوست: هرچه فریاد دارید بر سر دلار بزنید! این دلار است که عامل فلاکت اقتصادی ماست؛ ما آن را از مبادلات خود حذف می‌کنیم تا هم توطئه‌های دلاری دشمنان را نقش بر آب کنیم و هم از انتقام سختی بگریزم.

۲- اما به راستی چگونه دلار به چنین قدرتی دست یافت؟ روزی روزگاری پس از جنگ دوم جهانی، زمانی که اقتصاد اغلب طرف‌های درگیر در آتش جنگ سوخته و به خاکستر نشسته بود، ایالات متحده آمریکا در اوج شکوفایی اقتصادی مزیت خود را در سامان‌دادن به یک اقتصاد سیاسی بین‌المللی لیبرال می‌دید؛ چراکه از یک سو رقابتی استراتژیک با دگر کمونیستی بنابر اقتضانات ساختاری به او تحمیل شده بود و از دیگر سو منافع یک قدرت اقتصادی لیبرال در اوج شکوفایی در چندجانبه‌گرایی، همکاری اقتصادی، تقسیم کار و گسترش بازارهای تولید و مصرف بیشتر است تا در یک‌جانبه‌گرایی و رقابت‌جویی، اما مسئله اینجاست که در نظام بین‌الملل به واسطه ماهیت آثارشیک و فقدان یک اقتدار مرکزی فرا‌دستِ دولت‌ها، سامان‌دادن به چنین نظم اقتصادی دور از دسترس است مگر اینکه دولتی حاضر به پذیرش مسئولیت و تعهدات فراملی در پرداخت هزینه‌های آن شود و از دیگر سو سایرین نیز به اقدام او مشروعیت دهند. توافقات برتون وودز نمود پذیرش چنین مسئولیتی توسط آمریکا بود و در این میان، دلار به عنوان یک پول بین‌المللی و واسطه مبادلات جهانی مورد پذیرش قرار گرفت.

آمریکا که پس از جنگ، دو‌سوم طلای جهان را تحت کنترل داشت قانون ملی خود در برابری دلار با طلا را در سطح بین‌المللی به اجرا گذاشت تا همگان به آن اعتماد کنند و دارایی‌هایشان را با خیال راحت به آن تبدیل کنند. در خلال دو دهه همکاری‌های اقتصادی در منطقه صلح لیبرالی، زاین و قدرت‌های اروپایی از خاکستر جنگ برخاستند اما این احیا به معنای بزرگ‌ترشدن حجم بازار نیز بود به نحوی که دیگر آمریکا توان آن را نداشت که به ازای هر ۳۵ دلار یک اونس طلا در فدرال‌رزرو داشته باشد و نیکسون در ۱۹۷۱ یک‌جانبه این نرخ برابری را ملغی کرد و از آن زمان به بعد، نرخ‌گذاری آن به شکل شناور و تابعی از عرضه و تقاضا و مستقل از پشتوانه طلا شد. اما دلار رهاکنندهٔ همپرتیر پول جهانی و معتبرترین واسطه مبادلات و نیز یگانه معیار ارزش‌گذاری کالا‌های اساسی در جهان باقی ماند؛ چرا؟! به دلایل مختلفی از جمله عادت، شکل‌گیری رویه‌ها، محاسبات محدود در هزینه -فایده، نبود الترناتیو و البته از همه مهم‌تر اینکه دلار، پول قدرتمندترین اقتصاد جهان بود و البته همچنان قابل اعتمادترین.

از طرف دیگر در خلال دهه‌های قبل همگان دلار را دارایی‌هایشان را به دلار گره زده بودند و طبیعی بود که کاهش ارزش دلار به معنای کاهش ارزش دارایی‌های آنها باشد و هیچ عاقلی از کاهش ارزش دارایی‌هایش حمایت نمی‌کند. در این میان آمریکا توانست به هزینه جهان ارزش و اعتبار پول ملی خود را کامیابش مستقل از ارزش تولید ناخالص داخلی خود حفظ کند و بدون ادغغه کسری بودجه به مصرف و رفاه داخلی شهروندانش بیفزاید؛ در کنار اینکه از کنترل نسبی‌اش بر دلار به عنوان یک اهرم فشار سیاسی نیز در کنترل دشمنان و رقیبانش استفاده کند.

رفتار ایالات متحده در دوران افول هژمونیک از منظر نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل قابل فهم و پذیرش است و مبتنی بر همین نظریه‌ها، آن‌گاه که رژیم‌های بین‌المللی در تعارض آشکار با منافع قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد در هم خواهند شکست. اکنون جهان به سمت یک نبرد هژمونیک در حال حرکت است که دلارزایی نمودی از آن تحولات محسوب می‌شود. بازار سرمایه‌داری جهانی‌شده که با مسئولیت هژمونیک ایالات متحده سازگ گرفت اکنون متأثر از رقابت چین و آمریکا رو به واگرایی است و چه‌بسا قطبی‌سازی دارد و در این میان، دلارزایی نه یک انتخاب اقتصادی بلکه بیشتر یک استراتژی در سیاست جهانی است.

۳- اما آنچه در سطح بازی بزرگان در جریان است چه نسبتی با ما پیدا می‌کند؟ آیا اگر ریا را به جای دلار با یوان بسنجیم بنابر استدلال ابراهیم رنسیس این‌گاه ارزش پول ما مسیر رو به رشد را در پیش می‌گیرد، تورم مهار می‌شود، تولید صنعتی و خدماتی ما از رکود خارج می‌شود و استانداردهای رفاهی ما بالا می‌رود؟! به‌تازگی پوششی در حمایت از پول ملی به راه افتاده با شعار «من ریا را دوست دارم»، جدای از اینکه پول ملی موضوع برقراری رابطه عاطفی نیست که آن را دوست بدارید و برای این دوستی از دلار متنفر باشید، اساسا مسئله این است که علانیت اقتصادی ورای تمامی تعهدات و تعصبات جمعی عمل می‌کند چراکه مشخصاً ناظر بر محاسبات هزینه-فایده فردی است.

اگر ریا را با یوان، روبل، رویه یا حتی «مُخ» واحد پول شهر خیالی مرخ بسنجید عملاً تأثیری در میزان ارزش آن ندارد؛ مادامی که افزایش نرخ رشد حجم نقدینگی به موازات کاهش نرخ یا عدم رشد اقتصادی داشته باشید، تورم خواهد داشت و مادامی که تورم داشته باشید با کاهش ارزش پول ملی روبه‌رو خواهید بود حتی اگر عاشق ریا باشید. خراج‌کردن دلار از مبادلات، استقلال بیشتری از آمریکا برای جمهوری اسلامی به بار نخواهد آورد اما بی‌تردید وابستگی سیاسی به چین و روسیه را با زنجیرهای اقتصادی محکم‌تر خواهد کرد.

آگهی مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی نوبت اول

۱- **نام و نشانی مناقصه‌گزار:** شرکت پایبند به نشانی تهران بزرگراه حکیم غرب، بزرگراه پاکری شمال -جنب بل بلایر پیاده - پلاک ۲

۲- **موضوع مناقصه:**انتخاب پیمانکار اجرای عملیات ریسر، رگلاز، قرار دادن لوله داخل کانال و جوشکاری (قطعه اول به طول ۳۶ کیلومتر) پروژه اجرائی باند عملیات ساختمانی و خط انتقال لوله فولادی و سازه های مربوطه در استان یزد قطعه ۴-۲

۳- **مهلت دریافت اسناد مناقصه:**ساعات اداری ۸:۰۰الی ۱۶:۳۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۱، ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ و ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تا ساعت ۱۶:۳۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ به نشانی مندرج در بند ۱

۴- **آخرین مهلت تسلیم پاکات مناقصه:** تا ساعت ۱۶:۳۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ به نشانی مندرج در بند ۱

۵- **نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۳.۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

۶- **ارائه گواهی صلاحیت پیمانکاری** رتبه ۵ در رشته تاسیسات و تجهیزات یا نفت و گاز و همچنین مالکیت حداقل ۵/۵۰٪ تجهیزات عملیات اجرائی برای مناقصه‌گران الزامی می باشد.

۷- **سایر اطلاعات و جزئیات** مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

۸- **هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.**

تلفن دپارتمان کمیسیون معاملات ۴۸۰۶۵۱۳۵-۴۸۰۶۵۱۳۵-۰۲۱

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی شماره ۰۸/ج/ر/ ۱۴۰۲/۱
مربوط به خرید ۶ قلم شیر آلات – درخواست شماره ۹۸۰۰۷۴۲

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی خرید ۶ قلم شیرآلات(شامل کنترل ولو – بال ولو – سفتی ولو و…) به شماره (۰۰۰۰۹۲۶۶۰۰۰۰۰۰۴۶) ۲۰۰۲) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۶ الی ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ الی ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می باشد.

شرکت ها و موسسات دانش بنیان در مناقصات و عرضه کالا‌های دانش بنیان مستقیم واحد منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL)تأمین گردد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: آدرس: گچساران - فلکه الله - شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران - تلفن: ۰۲۱-۳۱۹۲۱۵۹۵-۰۷۴

مرکز تماس سامانه ستاد: ۰۲۱-۴۱۹۳۴

دفتر ثبت نام سامانه ستاد: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

نشانه آگهی: ۱۴۸۶۱۹ | نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ | نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳